



مركز جهاني علوم اسلامي
جمهوری اسلامی ایران - قم - ۱۳۵۸

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

نتایج فلسفی نظریه حرکت جوهریه «ملاصدرا»

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته فقه و معارف اسلامی

نگارش؛ فلسفه اسلامی

نگارش؛ سبحان دانش

استاد راهنما؛ حجة الاسلام و المسلمین ابوالحسن غفاری

استاد مشاور؛ حجة الاسلام و المسلمین دکتر حسن معلمی

دی ۱۳۸۶

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۹۵۵

تاریخ ثبت:

□ مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه به عهده نویسنده

می باشد.

□ هرگونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع، بلاشکال

است و نشر آن در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی

علوم اسلامی است.



تقدیم و اهداء:

در طول تدوین رساله حاضر، سعیم بر این بود که از فرصت پیش آمده کمال استفاده را ببرم و تمام توان خویش را به کار ببندم تا رساله‌ای که تدوین می‌شود در راستای خدمت به دین و فلسفه اسلامی مفید و مثمر ثمر واقع شود، لذا اگر ثوابی از این ناحیه برایم میسور گشته باشد، آن را به روح مطهر کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها، روح مطهر فیلسوف مظلوم صدرالحکما و ارواح مطهر پنج شهید منطقه دشت، نیلی و سنگموم (شهید شیخ علی یار جنتی، شهید خادم، شهید سید صفر علی، شهید عثمان و شهید بومان علی)، تقدیم می‌کنم.

تقدیر و تشکر:

پیش از هر چیز جا دارد که در تدوین این رساله از راهنمایی‌های آموزنده و صبورانه اساتید محترم، جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای دکتر ابوالحسن عقیاری استاد راهنما و جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای حسن معلمی استاد مشاور، برخوردار بوده‌ام، تشکر نمایم. قدردانی و سپاسگزاری از این دو بزرگوار را به خاطر زحماتی که متقبل شدند بر خود واجب می‌دانم و از درگاه خداوند متعال برای ایشان اجر جاودان مسألت دارم.

و هم چنین از مسئولین محترم مرکز جهانی علوم اسلامی، مسئولین محترم مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی به ویژه واحد پایان‌نامه که از مساعدت و همکاری خویش دریغ نورزیدند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم.

چکیده

حرکت جوهری که از مهمترین مباحث فلسفی در فلسفه اسلامی است به نام صدر المتألهین شیرازی شهرت یافته است. صدر المتألهین با کشف این نظریه تفسیر نوینی از حرکت ارائه می‌دهد که با نظریات سایر فلاسفه درباره حرکت کاملاً متفاوت است، و نتایج مهمی را به ارمغان می‌آورد. موضوع نوشتار حاضر که «نتایج فلسفی نظریه حرکت جوهری ملاصدرا» می‌باشد در سه فصل تدوین گردیده است:

در فصل اول، ابتدا از مباحثی مقدماتی بحث شده است که هر تحقیقی بدان نیازمند است از قبیل: بیان مسأله، اهمیت مسأله، سؤالات تحقیق، فرضیه تحقیق، پیشینه تحقیق، قلمرو تحقیق و... و در انتهای این فصل به تبیین چند واژه به عنوان واژگان کلیدی بحث پرداخته شده است و واژگانی همچون «قوه و فعل»، «مقوله»، «جوهر و عرض» و «حرکت»، توضیح داده شده و مراد از هریک بیان گردیده است.

در فصل دوم، ابتدا تعاریف متعددی از حرکت ارائه شده که از میان آنها می‌توان گفت بهترین تعریف، تعریف ارسطو و حکمای قدیم است؛ زیرا این دو تعریف دارای دو ویژگی برجسته است که سایر تعاریف فاقد این دو ویژگی می‌باشد.

پس از تعاریف ارائه شده درباره حرکت، اقسام حرکت، ارکان حرکت و مقولات که حرکت در آنها جاری می‌شود مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در خاتمه این فصل پیرامون حرکت جوهری و بیان براهین آن مطالب سودمندی ارائه گردیده است. و در توضیح حرکت جوهری گفته شده که حرکت جوهری عبارتست از: حرکت و تحوّل ذاتی و درونی اشیاء.

بنابراین معنای حرکت جوهری این می‌شود که تک تک وجودات مادی در تحوّل و سیلان ذاتی به سر می‌برند، صورت متحوّل می‌گردد و صورت جدیدی پدید می‌آید، ثبات و قرار در ذات موجودات مادی و اعراض آنها راه ندارد، بلکه حرکت در اعراض ناشی از تحوّل در جوهره طبایع مادی می‌باشد و هر موجود مادی مساوی با حرکت و سیلان است.

در فصل سوم که عنوان اصلی تحقیق می‌باشد و بخش عمده‌ای از رساله را به خود اختصاص داده است، «نتایج فلسفی نظریه حرکت جوهری» از قبیل: «غایتمندی جهان طبیعت»، «معاد جسمانی»، «جسانیه الحدوث و روحانیه البقاء بودن نفس»، «ربط حادث به قدیم»، «ربط متغیّر با ثابت (مادی و مجرد)»، «حدوث زمانی عالم» و «اثبات بعد چهارم (زمان) برای ماده» مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. بدین صورت که ابتدا نظریات فلاسفه قبل از صدر المتألهین را در مورد مسأله مورد نظر مطرح نموده و پس از بررسی و اثبات ناکارآمدی آنها، از نظریات بدیع صدر المتألهین که مبتنی بر نظریه حرکت جوهری می‌باشد برای حل مسأله استفاده شده است.

در خاتمه با یک نتیجه‌گیری از کل مباحث مطرح شده، تدوین این رساله به پایان رسیده است.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات

۲	۱. بیان مسأله
۲	۲. اهمیت مسأله
۳	۳. سؤالات تحقیق
۳	الف - سؤال‌های اصلی
۳	ب - سؤال‌های فرعی
۳	۴. فرضیه تحقیق
۴	۵. پیشینه تحقیق
۵	۶. قلمرو تحقیق
۵	۷. نوآوری‌های تحقیق
۶	۸. واژگان کلیدی
۶	۸-۱. قوه و فعل
۸	۸-۲. مقوله
۹	۸-۲-۱. تعداد مقولات
۱۱	۸-۳. جوهر و عرض
۱۲	۸-۳-۱. اقسام جوهر
۱۳	۸-۳-۱-۱. ماده (هیولی)
۱۳	۸-۳-۱-۲. صورت
۱۵	۸-۳-۱-۳. جسم
۱۶	۸-۳-۱-۴. نفس

۱۸ ۵-۱-۳-۸ عقل

۲۱ ۷-۴ حرکت

۲۱ ۱-۷-۴ حرکت از نظر فلاسفه

فصل دوم: حرکت جوهری و بیان براهین آن

۲۴ تاریخچه بحث حرکت

۲۵ ۱. نظریه ثبات

۲۶ ۲. نظریه تغییر

۲۷ ۳. نظریه تغییر و ثبات

۲۹ حرکت چیست؟

۳۱ حرکت از دیدگاه فلاسفه اسلامی «فارابی، ابن سینا و ملاصدرا»

۳۱ ۱. حرکت از دیدگاه فارابی

۳۲ ۲. حرکت از دیدگاه ابن سینا

۳۷ بهترین تعریف

۳۸ مقولات و اقسام حرکت

۳۸ اقسام حرکت به انقسام فاعل آن

۳۹ اقسام حرکت به اعتبار معنای آن

۴۱ فرق حرکت توسطیه و قطعیه

۴۱ ارکان حرکت

۴۱ ۱. مبدأ

۴۱ ۲. منتها

۴۲ ۳. مسافت

۴۲ ۴. موضوع

۴۲ ۵. فاعل

۴۳ ۶. زمان

۴۳ مقولاتی که در آنها حرکت جاری می‌شود

۴۳	حرکت در جوهر و بیان براهین آن
۴۵	حرکت جوهری چیست؟
۴۵	۱. طبایع مادی
۴۶	۲. طبیعت
۴۸	براهین نظریه حرکت جوهری
۴۹	برهان اول:
۴۹	برهان دوم: حرکات عارضی تابع جوهرند
۵۰	برهان سوم:
۵۰	برهان چهارم:
۵۱	اشکالات ابن سینا
۵۱	اشکال اول:
۵۲	اشکال دوم:
۵۳	اشکال سوم:
۵۳	پاسخ اشکال اول:
۵۵	پاسخ اشکال دوم:
۵۵	پاسخ اشکال سوم:

فصل سوم: نتایج فلسفی نظریه حرکت جوهری ملاصدرا

۵۷	تکامل چیست؟
۶۱	نقد نظریه ابن سینا
۶۱	نقد اشکال صدر المتألهین
۶۵	۱. غایت‌مندی جهان طبیعت
۶۷	۲. اتحاد روح و بدن و ارتباط بین این دو
۶۸	حدوث یا قدم نفس
۶۸	۱-۲. نظریه قدم نفس
۶۸	۱-۱-۲. ادله افلاطون بر قدم نفس

- ۶۸ دلیل اول:
- ۶۹ دلیل دوم:
- ۶۹ دلیل سوم:
- ۶۹ پاسخ اول:
- ۷۰ پاسخ دلیل دوم:
- ۷۰ پاسخ دلیل سوم:
- ۷۲ ۲-۲. نظریه حدوث نفس.....
- ۷۲ ۲-۱-۲. نظریه روحانیه الحدوث و روحانیه البقاء.....
- ۷۳ استدلال ابن سینا.....
- ۷۹ ۲-۲-۲. نظریه «جسمانیة الحدوث و روحانیه البقاء».....
- ۸۰ دلیل اول:
- ۸۱ دلیل دوم:
- ۸۲ دلیل سوم:
- ۸۶ ۳. معاد جسمانی.....
- ۸۹ ۳-۱. اقوال مختلف درباره معاد.....
- ۸۹ ۳-۱-۱. انکار معاد.....
- ۹۰ ۳-۲-۱. برخورد با حالت شک و تردید با مسأله معاد.....
- ۹۰ ۳-۳-۱. اعتقاد به معاد جسمانی تنها.....
- ۹۰ ۳-۴-۱. اعتقاد به معاد روحانی تنها.....
- ۹۰ ۳-۵-۱. اعتقاد به معاد روحانی و جسمانی.....
- ۹۱ ۳-۲. اهمیت معاد از دیدگاه صدرالمتهین.....
- ۹۱ ۳-۳. صدرالمتهین و معاد جسمانی.....
- ۹۳ ۳-۳-۱. اصل اول.....
- ۹۳ ۳-۳-۲. اصل دوم.....
- ۹۳ ۳-۳-۳. اصل سوم.....
- ۹۴ ۳-۳-۴. اصل چهارم.....
- ۹۵ ۳-۳-۵. اصل پنجم.....

- ۹۵ اصل ششم ۶-۳-۳
- ۹۵ اصل هفتم ۷-۳-۳
- ۹۸ ۴-۳. ارزیابی فیلسوفان دیگر از نظریه صدرالمتألهین
- ۱۰۳ عقیده نگارنده درباره معاد جسمانی صدرالمتألهین
- ۱۰۸ ۴. اثبات بعد چهارم (زمان) برای ماده
- ۱۰۸ ۴-۱. نظریات مختلف در مورد زمان
- ۱۰۸ ۴-۱-۱. منکران وجود زمان
- ۱۱۰ ۴-۱-۱. زمان خطای ذهن است و فقط دارای وجود وهمی و خیالی است
- ۱۱۱ ۴-۱-۳. قائلین به وجود عینی زمان
- ۱۱۱ ۴-۴. براهین اثبات وجود زمان در خارج
- ۱۱۱ ۴-۴-۱. برهان اول: برهان طبیعیون
- ۱۱۲ ۴-۴-۲. برهان دوم: برهان الهیون
- ۱۱۳ ۴-۱-۴. نظریه صدرالمتألهین در مورد زمان
- ۱۱۵ ۴-۱-۴-۱. زمان بعد چهارم موجودات مادی
- ۱۱۸ ۴-۱-۲. فاعل زمان
- ۱۱۸ ۵. حدوث زمانی عالم
- ۱۱۸ ۵-۱. حدوث و قدم زمان
- ۱۱۹ ۵-۱-۱. حادث و قدیم ذاتی
- ۱۱۹ ۵-۱-۲. حادث و قدیم زمانی
- ۱۲۰ ۵-۱-۳. دیدگاه متکلمان
- ۱۲۰ ۵-۱-۴. دیدگاه حکماء
- ۱۲۱ ۵-۱-۵. دیدگاه صدرالمتألهین درباره حدوث زمانی عالم
- ۱۲۵ تمایز حکمت متعالیه از علوم
- ۱۲۶ ۶. ربط حادث به قدیم
- ۱۲۹ نظریات مطرح شده از سوی حکما و متکلمین در حل مسأله ربط حادث به قدیم
- ۱۲۹ ۱. نظریه ارسطو
- ۱۳۰ نقد نظریه ارسطو

۱۳۱ نظریه متکلمین
۱۳۳ نظریه حکمای مشاء
۱۳۴ نقد نظریه ابن سینا توسط صدرالمتألهین
۱۳۴ اشکال اول
۱۳۵ اشکال دوم
۱۳۶ اشکال سوم
۱۳۶ اشکال چهارم
۱۳۷ نظریه بدیع صدرالمتألهین درباره ربط حادث به قدیم
۱۳۸ ۷. ربط ثابت به متغیر
۱۴۰ اصل اشکال
۱۴۵ خاتمه: نتیجه بحث
۱۵۰ فهرست منابع

فصل اول:

کلیات

۱. بیان مسأله

حرکت جوهری یکی از مهمترین مباحث فلسفی در فلسفه اسلامی است که به نام صدرالمتهین شیرازی مشهور و معروف شده است، صدرالمتهین با کشف این نظریه، تفسیر نوینی از حرکت ارائه می‌دهد که با برداشتهای و نظریات سایر فلاسفه از حرکت کاملاً متفاوت است. او با تبیین نظریه حرکت جوهری و اقامه براهین خلل‌ناپذیر در اثبات آن و در نتیجه اثبات ناآرامی و بی‌ثباتی نهادی در بنیان همه کائنات، اصلی را که حکماء به طور عموم به آن اتفاق نظر داشتند و آن را به عنوان سدی آهنین می‌پنداشتند، فروریخت و اساس آن را درهم شکست.

قبل از صدرالمتهین حکیمان عقیده داشتند که حرکت فقط در چهار مقوله، کم، کیف، این و متی جاری می‌شود؛ و حرکت و تحوّل در اساس و جوهره اشیاء را نامعقول می‌پنداشتند، آنها حرکت را یک امر خارج از حقیقت اشیاء می‌دانستند.

با تبیین و تفسیری که صدرالمتهین از حرکت جوهری ارائه می‌دهد، نتایج مهمی از قبیل: غایتمندی جهان طبیعت، معاد جسمانی، جسمانیة الجدوث و روحانیة البقاء بودن نفس، ربط حادث به قدیم، ربط متغیر با ثابت (مجرد و مادی)، حدوث زمانی عالم، و اثبات بعد چهارم (زمان) برای ماده و... به دست می‌آید که در طول تاریخ فلسفه کم سابقه است.

۲. اهمیت مسأله

صدرالمتهین بر مبنای اصل اصیل که خودش آن را پایه‌گذاری و بنانهاده است و با براهین قاطع، ناآرامی و بی‌ثباتی عالم طبیعت و جواهر مادی را به اثبات می‌رساند؛ و از این رهگذر به خوبی روشن و آشکار می‌گردد که مجموعه عالم جسمانی یک قافله است که به سوی کمال مطلق رهسپار است.

نظریه حرکت جوهری چنان با اهمیت است که کاملاً جهان بینی انسان را متحوّل و ذهن او را نسبت به عالم طبیعت عوض می‌کند که هیچ گاه جهان بینی او قبل از دانستن حرکت جوهری و بعد از دانستن او مساوی نخواهد بود. علاوه بر این، نتایج که از این نظریه حرکت جوهری به دست می‌آید، بسیار دقیق و عمیق است که در عین حالی که فلاسفه اسلامی بعد از صدرالمتهلین به تبیین و تفسیر آن پرداخته‌اند بازهم جای پژوهش در زاویه‌های مختلف آن وجود دارد.

۳. سوالات تحقیق

الف - سؤال‌های اصلی

از آنجا که عنوان پژوهش حاضر «نتایج فلسفی نظریه حرکت جوهریه ملاصدرا» می‌باشد، سؤال‌های آغازین و محوری این تحقیق عبارتند از:

۱. حرکت جوهری چیست؟ و توسط چه کسی بنانهاده شده است؟
۲. با اثبات حرکت جوهری چه نتایج بر آن مترتب می‌گردد؟

ب - سؤال‌های فرعی

۱. آیا حرکت جوهری همواره تکاملی است؟
۲. آیا حرکت جوهری، حرکت در جوهر شیء است؟ یا حرکت در جوهر شیء جوهری است؟

۴. فرضیه تحقیق

با توجه به دو پرسش اصلی پژوهش حاضر، پاسخ پیشنهادی و موقت به قسمت نخست این است که حرکت جوهری عبارت است از: حرکت ذاتی و درونی که شیء در جوهر، و ذات خود تغییر پذیرد و حرکت نماید و جوهر به جوهری قوی‌تر و ذاتی به ذات تکامل یافته‌تری تبدیل پیدا کند. بنیانگذار حرکت جوهری صدرالمتهلین شیرازی است، قبل از صدرالمتهلین هیچ یکی از فلاسفه قایل به حرکت جوهری نبودند، بلکه به عدم آن اقامه برهان نموده‌اند و عموماً بر این مطلب متفق القول بودند که حرکت در جوهر و ذات یک شیء غیر ممکن و نامعقول است. صدرالمتهلین با اثبات حرکت جوهری تمام براهینی را که سایر فلاسفه بر نفی حرکت جوهری اقامه کرده بودند بر هم ریخت و ناکارآمدی آنها را آشکار ساخت.

اگرچه عده‌ای بر این باورند که نظریه حرکت جوهری چیز جدیدی نیست که ملاصدرا آن را مطرح و به اثبات رسانده باشد؛ بلکه قبل از وی از سوی عرفا و متکلمان این نظریه مطرح بوده و از سوی آنها به شیوه‌های مختلفی تبیین شده است مثلاً متکلمان براساس قاعده «العرض لایبقی زمانین» صور موجودات را با وجود ثبات جوهرشان در تبدل و تغییری مستمر می‌دانند، و عرفا به «تجدد امثال» قایل شده و تجدد و تبدل را در سراسر عالم پذیرفته‌اند.

در جواب باید گفت: اگرچه نظریه حرکت جوهری صدرالمتألهین با تجدد امثال عرفا سازگاری دارد، اما این دلیل نمی‌شود که حرکت جوهری همان تجدد امثال عرفا است. ما در فصل سوم بیان خواهیم کرد که در عین سازگاری حرکت جوهری با تجدد امثال عرفا فرق اساسی هم در مبانی و هم در نتایج میان این دو نظریه وجود دارد که کاملاً سبب تمایز این دو نظریه از یکدیگر می‌شود.

پاسخ ما به بخش دوم سؤال اصلی نیز این است که نتایج که از حرکت جوهری از قبیل: معاد جسمانی، غایت‌مندی جهان طبیعت، جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن نفس، ربط حادث به قدیم، ربط متغیر با ثابت، حدوث زمانی عالم و اثبات بعد چهارم (زمان) برای ماده و... به دست می‌آید که ثمرات فراوانی در تفکر فلسفی بشر دارد، دریچه تازه‌ای را بر روی انسان‌ها می‌گشاید و جهان بینی آنها را که قبل از شناخت حرکت داشت کاملاً متحول می‌سازد.

مطابق نظریه حرکت جوهری دیگر جهان قدیم نخواهیم داشت؛ بلکه در جهانی قرار داریم که لحظه به لحظه در حال تحول و تجدد می‌باشد و هرگز نمی‌توان تصور کرد که جهان طبیعت در دو «ان» در یک حالت باقی بماند و هیچگونه تغییر و تحولی در آن رخ ندهد.

۵. پیشینه تحقیق

بدون بزرگ‌نمایی باید به این واقعیت اعتراف نمود که تا هنوز نسبت به نتایج نظریه حرکت جوهری بعد از پایه‌گذاری و اثبات آن توسط صدرالمتألهین، تحقیق و پژوهش عمیقی به صورت کار مستقل انجام نگرفته است. اگرچه در بعضی از کتب تحت این عنوان مطالبی نوشته شده و توضیحات مختصری درباره آن داده شده است. اما از تحقیق، تحلیل و تبیین آن به صورت مفصل چیزی به چشم نمی‌خورد.

به عنوان نمونه از جمله کتاب‌های که «نتایج فلسفی نظریه حرکت جوهری» در آنها مورد بحث قرار گرفته است، این دو کتاب می‌باشد:

۱. دو فیلسوف شرق و غرب: مؤلف، مرحوم حسین علی راشد. که در این کتاب فقط در شش صفحه

از نتایج فلسفی نظریه حرکت جوهری سخن گفته شده است.

۲. نهاد ناآرام جهان، مؤلف، عبدالکریم سروش، در این کتاب فقط در بیست و یک صفحه از نتایج

فلسفی نظریه حرکت جوهری بحث شده است.

ما در این تحقیق تا آن جایی که گستره کار اجازه بدهد به طور جداگانه از تک تک نتایج فلسفی نظریه

حرکت جوهریه بحث خواهیم کرد و به تفصیل آنها خواهیم پرداخت تا آن طور که شایسته است نتایج

فلسفی نظریه حرکت جوهری روشن گردد.

۶. قلمرو تحقیق

در این پژوهش برای محدودسازی دامنه و قلمرو تحقیق از بحث‌های طولانی و دامنه‌دار درباره حرکت،

سیر تاریخی آن، اقوال حکیمان درباره حرکت و تجزیه و تحلیل آنها که خود زمان زیادی را می‌طلبد و از

سوی دیگر از گنجایش این نوشتار خارج است، خودداری شده است؛ و ما تنها به مقتضای این پژوهش در

فصل دوم به طور فشرده درباره حرکت و سپس حرکت جوهری و براهین آن و در فصل سوم به نتایج آن

که اصل موضوع پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد، خواهیم پرداخت.

۷. نوآوری‌های تحقیق

از آنجایی که هیچ اثری خالی از نقص و اشکال نیست، رساله حاضر نیز از این قاعده مستثنی نبوده و از

وجود ضعف‌ها و نواقص احتمالی مبرا نخواهد بود؛ ولی در عین حال ویژگی‌های ذیل را می‌توان برای این

رساله منظور داشت:

۱. نگارنده معتقد است که رساله حاضر از نظر دسته‌بندی مطالب و تفکیک مباحث، کار جدید و تازه‌ای

بوده و از تقلید در آن پرهیز شده است.

۲. مطالب علمی در قالب ساده‌ترین و مختصرترین عبارات تبیین و توضیح داده شده بدون اینکه از

ارزش علمی آن کاسته شود.

۳. از میان دلایل مطرح شده برای اثبات موضوع و مسأله مورد نظر، محکم و متقن‌ترین آنها انتخاب و

برای حل آن موضوع و مسأله مورد استفاده قرار گرفته است.

۴. نگارنده رساله تنها به نقل اقوال و نظریات فلاسفه در مورد مسائل مختلفی اکتفا نکرده، بلکه به

محض مشاهده ضعف و اشکال، بدون هیچ واژه و ترسی نظریات مطرح شده را مورد نقد و بررسی قرار

داده است.

۸. واژگان کلیدی

۸-۱. قوه و فعل

قوه در لغت:

قوه در لغت ضد ضعف^۱ آمده است، و بعضی دیگر گفته‌اند: القوه: الطاقة من طاقات الحبل، و فی

التعريفات هي تمكن الحيوان من الافعال الشاقة.^۲

ارسطو در کتاب متافیزیک خویش پنج معنی^۱ برای قوه ذکر می‌کند که آنها عبارتند از:

۱. مبدأ (آغاز) حرکت یا تغییر در چیزی دیگر یا در همان چیز به اعتبار چیز دیگری است.
۲. مبدأ جنبش یا دگرگونی به وسیله تأثیر چیزی دیگر یا به وسیله خود چیز به اعتبار چیز دیگر.
۳. توانمندی، استعداد برای انجام چیزی به خوبی و طبق انتخاب سنجیده است.
۴. منفعل شدن یا انفعال.

۵. توانمندی‌های همه آن خصلت‌های پایدار (keaxeis) نامیده می‌شوند که بر طبق آنها چیزها به صور کلی انفعال ناپذیر یا تغییرناپذیراند، یا به آسانی به چیزی بدتر جنیده یا دگرگون نمی‌شوند. زیرا اشیاء از آن روی شکسته، فرسوده و خمیده و به طور کلی تباہ نمی‌شوند که توانمنداند، بلکه از آن روی که توانمند نیستند و چیزی کمبود دارند.^۳

از این پنج معنای که ارسطو برای قوه ذکر نمود، منظور از قوه همان معنای دوم یعنی مطلق قبول و انفعال است.

ابن سینا درباره انواع معانی و تطوراتی را که لفظ قوه سپری کرده است می‌گوید:

لفظ قوه و آنچه مرادف آن است برای نخستین بار، برای معنای موجود در حیوان وضع شده است که به وسیله آن معنی، صدور افعال شاقه از سنخ حرکات که از نظر کم و کیف اکثری الوجود نیستند، از وی ممکن می‌گردد، و ضد این معنی از قوه ضعف است. قوه با این معنای که برای آن گفته شد دارای زیادت و شدت از معنای قدرت است. چون در تعریف قدرت گفته شده، «قدرت عبارت است از بودن حیوان به گونه‌ی که اگر بخواهد فعل از آن صادر می‌شود و اگر نخواهد، صادر نمی‌شود» و ضد این معنی عجز است.

۱. المنجد: لوئس معلوف، ج چهارم، ناشر انتشارات دهقانی، ص ۶۶۴.

۲. اقرب الموارد، مؤلف سعید الخوری، الشرتونی البنانی، ناشر، دارالاسوة للطباعة والنشر، ج ۴، ج اول، ۱۳۷۴ ش، ۴۱۶ ق، ص

۳. ارسطو، متافیزیک (مابعدالطبیعه)، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۷۷، ترجمه: شرف الدین خراسانی - شرف، ص ۱۵۶.

سپس فلاسفه اسم قوه را نقل داده‌اند بر هر حالی در چیزی که مبدأ تغیر و در غیر می‌شود، از آن جهت که غیر است، اگرچه در این تأثیر بی‌اراده باشد، حتی حرارت را که عرض است، قوه نامیده‌اند، چون مبدأ تغیر غیر از آتش است و هم چنین اگر طبیب، در خود تغیری از نظر اخلاق پدید آورد یا خود را از نظر جسمانی علاج کند، مبدأ تغیر در خویشتن است؛ ولی این مبدأ بودن وی برای علاج و تغیر، از آن حیث نیست که قابل تغیر و پذیرای علاج است، بلکه حیثیت مبدأ بودن وی برای علاج و تغیر، غیر از حیثیت قابل بودنش برای علاج است...

آنگاه فلاسفه بعد از آن، چون دیدند آن چیزی که اسم قوه به معنای مشهور - اعم از قدرت و شدت یا شدت و قوت - برای آن بوده و شرط چنان صاحب قوه‌ای فاعلیت بالفعل نیست، بلکه به لحاظ قوه مزبور، برای آن، امکان انجام فعل و امکان عدم انجام فعل است، اسم قوه را به امکان مذکور نقل دادند، و از این رو، چیزی که وجود آن در حد امکان است (مانند وجود خاکستر در هیزم مثلاً) موجود بالقوه نامیدند، و امکان قبول وجود مذکور و انفعال آن (که مثلاً در هیزم است) را قوه انفعالی خواندند. سپس مرتبه تمام این قوه (وجود مترقب الحصول) را فعل نامیدند.^۱

با توضیح که درباره قوه داده شده معنای فعل با کمی تأمل خود به خود روشن می‌شود، بنابر این قوه از نظر فلاسفه به معنای امکان و استعداد است و فعلیت به معنای ضرورت و بودن است. قوه توان و شدن است. فعلیت آنچه شیء هست و قوه آنچه می‌تواند بشود. فعلیت حالت و ویژگی است که شیء الآن آن را دارد و واجد آن می‌باشد. قوه حالت و ویژگی است که می‌تواند پیدا کند.

قوه از مقوله امکان است و فعلیت از مقوله ضرورت و وجوب. مثلاً هسته خرما فعلیت و موجودیتش عبارت است از هسته‌ای به اشکال، رنگ و وزن خاص. اما قوه و استعداد این را دارد که با گذشت زمان و با فراهم بودن شرایط سبز بشود، رشد و نمو کند و بعد از سپری شدن چند سال به درخت بزرگ و تنومندی تبدیل شود.

علامه طباطبایی قوه و فعل را اینگونه تعریف می‌کند:

«وجود شیء در خارج، به گونه‌ای که آثار مورد نظر از آن حاصل شود، فعلیت آن شیء نامیده می‌شود و گفته می‌شود که وجود آن شیء بالفعل است و امکان آن شیء، قبل از تحقق آن، قوه آن شیء نامیده می‌شود و گفته می‌شود که وجود آن شیء بالقوه است، مثلاً، نطفه تا وقتی که نطفه است، انسان بالقوه

۱- ابن سینا، الهیات الشفاء، الفصل الثانی من المقالة الرابعة (ترجمه آیه الله محمد محمدی گیلانی با کمی تصرف) و نیز اسفار اربعه، ج ۳، ناشر:

دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ج اول، ۱۴۲۳/۲۰۰۲م، ص ۷-۵.

است و زمانی که به انسان تبدیل شد، انسان بالفعل می‌گردد و آثار مطلوب از انسان برای او مترتب می‌گردد.»^۱

۸-۲. مقوله

مقوله، در لغت به معنای سخن گفته شده، گفته، گفتار است، جمع آن مقولات در باب؛ از هر مقوله‌ای، از هر دری، از هر بابی - از مقوله چیزی، در باب آن، در باره آن.^۲
مقوله در اصطلاح فلاسفه:

در اصطلاح فلاسفه، هر یک از معظم ماهیاتی را که عقول و اذهان را به آن احاطتی تواند بود مقوله گویند. مقوله نزد حکماء، بر جوهر و اعراض نهگانه که من حیث المجموع آنها را مقولات عشر نامند اطلاق می‌شود.^۳

معروف است که مبتکر این بحث ارسطو است، این تقسیم‌بندی در آثار ارسطو، به منظور طبقه‌بندی موجودات مطرح شده است. ارسطو در قالب جوهر و اعراض تمام موجودات را براساس ماهیت آنها طبقه‌بندی کرده است. اگر ما چیزی را شامل این طبقه‌بندی کردیم، به این معنی است که این چیز یکی از موجودات عالم محسوب می‌شود و باید آن را در شمارش موجودات به حساب آورد.

ولی شیخ شهاب الدین سهروردی برخلاف عقیده جمهور حکما بر این عقیده است که مقولات ده گانه محصول اندیشه ارسطو نمی‌باشد. ایشان مسألة مقولات ده گانه را به فردی از فیثاغورثیان به نام ارخوطس منسوب دانسته.

عین عبارت شیخ اشراق چنین است:

«سؤال حالت المعلم الأول (ارسطاطالیس) و الجمهور؟ جواب أمّا المقولات فلیست مأخوذة عن المعلم

الاول بل عن شخص فیثاغوری یقال له ارخوطس و لیس له برهان علی الحصر فی العشرة و البرهان هو

الذی نتبع...»^۴

همانطور که در عبارت فوق ملاحظه می‌شود، سهروردی در یک مسألة فلسفی و تاریخی برخلاف

۱. محمد حسین طباطبایی، نهاية الحکمة، مرحله‌ی نهم، [مقدمه]، ص ۲۴۹، تصحیح و تعلیق: عباسعلی زارعی سبزواری.

۲. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۴۴، ناشر دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ص ۹۵۵.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۹۵۶.

۴. شهاب الدین سهروردی، التلویحات، ناشر التکوین للطباعة و النشر و التوزیع، ج اول، ۲۰۰۵م، مقدمه و تعلیق: علی محمد اسبر، محمد

امین ابوجوهر، ص ۳۵.